

# داستانهای کوتاه ایران و جهان



داستانهای کوتاه ایران و جهان  
به کوشش: صفدر تقی‌زاده، اصغر الهی  
چاپ اول: بهار ۱۳۶۸ - انتشارات توس  
۲۹۳ صفحه - قیمت؟

صفدر تقی‌زاده و اصغر الهی، سیزده داستان کوتاه ایرانی و نه داستان خارجی را در مجموعه‌ای با عنوان "داستانهای کوتاه ایران و جهان" گرد آورده‌اند. پیش از این، معمول بود که هر سال چهار پنج مجموعه از این نوع فراهم می‌آمد و موجب آشنایی علاقمندان به داستان کوتاه با نویسندگان آنها می‌شد. اما در این ده دوازده ساله اخیر - به استثناء دو سه مورد - کمتر پیش آمد که چنین مجموعه‌ای به دست خواننده فارسی زبان برسد. فقدان چنین مجموعه‌هایی، نه تنها داستان کوتاه‌نویسی را از رونق می‌اندازد که ای بسا نسلی خلاق را به گوشه‌انزوا می‌راند. خاصه که نشریات ادبی هم یا اصلاً داستان کوتاه را به‌جد نمی‌گیرند یا به‌چاپ اثری از یک نام آشنا اکتفا می‌کنند.

مجموعه‌هایی از این دست که از قضا در انبار ناشر هم نمی‌ماند - می‌تواند عرصه نام‌های ناآشنا باشد زیرا خواننده آنها نه مرعوب نام نویسنده است و نه عادت‌زده "گپ‌های مکرر و قالبهای قلب". و همین بده بستان خلاق خود موجبی است تا نویسنده جوان شائبه‌ای را که پسند این و آن می‌طلبد یکسره ندیده بگیرد و همچنان که روح خود را می‌تکاند به عرصه تازه‌ای نیز قدم بگذارد. و بدیهی است که گاه چند داستان از یک مجموعه به مذاق خواننده خوش نیاید، یا نویسنده‌ای را به‌رمز و راز داستان کوتاه ناآشنا بدانند. اما بی‌شک در مجموعه‌ای که به دست او رسیده است، داستانی یا داستان‌هایی هست که هم اجر بانی را خیر می‌دهد و هم اوقات خواننده را خوش می‌سازد و گاه هم نور بس امیدوارکننده‌ای در دلها می‌تاباند.

برگزارکنندگان این جشنواره<sup>۶</sup> داستانهای کوتاه، بی شک اهل سلیقاند و نیز آشنا به سره و ناسره بودن داستان کوتاه و میدان را به تعمد، کمی فراخ گرفته‌اند تا آن هیمة نسوز از شوق حضور در این جشنواره دوباره گر بگیرد و تازه مگر تلقی درست از باب و ناباب به همین سادگی هاست. تجربه نشان داده است که اگر مثلاً "همین مجموعه را به همه پرسی بگذارند چه بسا آخر سر در یافتن داستان برگزیده، کسی راهی به جایی نبرد. صحبت از داستان یا داستانهای برگزیده، از این رو به میان می‌آید که در مقدمه بسیار پخته و آگاهاننده<sup>۷</sup> کتاب به این نکته اشاره شده است که احتمالاً "به داستانهای برگزیده جوایزی اعطاء خواهد شد. کاش این سنت پسندیده رواج گیرد و خود انگیزه‌ای برای آفرینش هنری بیشتری شود. باری انتخاب بهترین و پسند این و آن نکته‌ای است که فرع بر ارزشی است که این مجموعه در کلیت خود دارد. آنچه درخور اعتناست، آتشی است که دوباره اجاق سرد داستان‌نویسی ما را گرم کرده است و دور نیست که خاطره<sup>۸</sup> خوش هر داستان، هم نویسنده<sup>۹</sup> مردد را بر سر شوق آورد و هم گره از جبین ناشری عادت‌زده به نامهای آشنا بگشاید تا او نیز به میمنت کشفی که کرده است چند بند کاغذ نثار نامی کند که چه بسا نام بزرگ فردای داستان‌نویسی ما باشد.

باری مطالعه<sup>۱۰</sup> داستانهای این مجموعه بطور کلی بسیار دلچسب است و به ما آینده‌ای درخشان نوید می‌دهد. خوب است بهر داستان نظری اجمالی بیندازیم :

### چرا ساکت یمانم - فرخنده آقایی

تک‌گویی درونی منسجمی است که در آن بیشتر ماجرای زندگی یک شخصیت بازگو می‌شود، شخصیتی که با رو در رو شدن با واقعهای نامنتظر، دگرگونیهای درونی شدید و حالتی بیمارگونه پیدا می‌کند، تجربه‌ای آمیخته با شور زندگی و درک حالات مردمی که ناسازگاری رفت‌انگیزی بین آرمانها و اعمال روزمره‌شان وجود دارد و نیاز واقعی‌شان عشق و تفاهم است.

مساله اساسی این مردم، از ناچاری تحمل انبوه مشکلاتی ناشی می‌شود که خود در ایجاد آن هیچگونه نقشی نداشته‌اند. خانم آقایی در ارائه گفت و گوی شخصیتها در این داستان از خود مهارت قابل تمجیدی نشان می‌دهد.

### آخرین پادشاه - اصغر الهی

الهی در بی شناخت خصلتهای نهفته آدمی است و می‌خواهد درون شخصیتها را بکاود. توهم و واقعیت دو روی یک سکه است که هر لحظه در این داستان یکی بر دیگری چیره می‌شود. آدمهای الهی دنیای خودشان را دارند و در لاک خودخواسته‌ای فرو رفته‌اند. کاری به کار دنیای واقعی پیرامونشان ندارند و از این رو مایه ابهام در آثار اخیر او از جمله در این داستان زیاد است. الهی با این شیوه جدید، در زمینه داستانهای روان‌ساختی دارد صاحب سبک و سیاق مستقلی می‌شود.

### پنجره نمی گذاشت به مرگ فکر کنم - امیرحسن چهل تن

چهل تن داستانش را راحت می گوید. وقایع زنده و گویا چون نماهای یک فیلم با ریزبینی های ماهرانه پیش می رود. او از زندگی می نویسد و از مرگ و از بی اعتنایی خوفناک آدمها که مشغله ذهنی چهل تن در داستانهایش است. شخصیت های داستانهای او در شتاب می آیند و می روند، بی آنکه بدانند فقط کافی است لحظه ای درنگ کنند، کرکره ها را پس بزنند و پنجره را بکشایند تا زندگی بار دیگر همه اتاق را پر کند.

### جیران - علی خدایی

ظهر مراسم عقد است و مهمانها به حیاط می آیند و پشت میزها می نشینند. درختها پر از چراغ قرمز و زرد و سفید است و رومیزیهای سفید گلدوزی شده میزها را پوشانده اند. مهمانها چای و شربت می خورند و پول خرد بر سر عروس می ریزند و بالاخره صدای بوق می آید و جیران ترکه با چادر گل گلی از ماشین دوج پیاده می شود و پشت سرش چمدانی پر از لباس های الوان، مهمانها به افتخار بانو جیران ستاره تابان شوق کف می زنند و این همه تازه اول عروسی است که خدایی اینقدر زنده و ملموس به تصویر می کشد. عشق پنهان و دیرینه جیران به داماد با ظرافتها و نازک کاریهای شگفت انگیزی بیان می شود.

### یک تکه نخ - علی اشرف درویشیان

زندان، شکنجه، ساواک، این بار درویشیان به گونه ای ظریف از کلیشه های مکرر، داستانی پر خون و متفاوت می سازد که در آن یک تکه نخ تبدیل به یک رشته طناب و سپس تبدیل به یک عدل طناب می شود و آدمها که سرنوشتشان به نخی بسته است که "یا کریمی" به نوک می گیرد و از میان سیمهای خاردار حیاط زندان می پرد و پشت پنجره آنها لانه می سازد.

### پرواز - نوشین سالاری

بیرمرد قزقی بر دوش در خلوت خانه به دنبال خاطره هاست و در هراس خانگی شدن پرنده و در امید پرواز.

داستانی کوتاه که در بازخوانی، حسی از پرواز را به اوچها برمی‌انگیزد و بیم دست‌آموز شدن را در دلها می‌پروراند.

### پینگ - محمدرضا صفدری

صفدری چهره بارز ادبیات جوان ما همچنان صمیمی و مهربان و روان می‌نویسد و ضرب آهنگ‌های بومی را در داستانهایش می‌پراکند. صدای دهل در دورها به گوش می‌رسد و آدمها به ضرب آهنگهای بومی در انبوهی از عشق و ملال سرگردانند. داستانهای قبلی صفدری چنان توقع خواننده را بالا برده که پینگ با همه صفایش اندکی ساده به نظر می‌آید اما در خلال همین سادگی نیز، قدرت قلم صفدری به خوبی نمایان است.

### شب در نخلستان - صمد ظاهری

جوانی، جوانی، چه دور و چه نزدیک. صمدی با نخل و شطو دریا و ماه و مد چه خوش جوانی را باز می‌آفریند با همه صمیمیت‌ها، دلخوریها و ماجراهایش. نیمه سیگار را کنار پای تو می‌اندازد و تو با همه دلخوریت آن را برمی‌داری و پک می‌زنی و این آغاز ماجرا است.

### کاکل سوخته نخیل - هوشنگ عاشورزاده

ماشین در جاده خاکی در ابری از غبار و خاک پرگاز پیش می‌رود و سعی دارد از میان صف ماشین‌های دیگر جلو بزند. کشتزارهای اطراف جاده سوخته‌اند. بوی سوخته علف را حس می‌کنی، نخل‌ها با کاکل‌های سوخته جابجا روی زمین غلتیده‌اند و پشت سر، شهری میان آتش و دود می‌سوزد.

و حال در تهرانی، سرگردان و غریب در بدر به دنبال نان خانواده، در انبوه ترافیک و شلوغی و ازدحام و تنها یاد گذشته با توست و آرزوی بازگشت به شهرت.

### افسانه یک زن آشپز هلندی - اصغر عبدالمهی

عبدالمهی سرشار از شور نوشتن است و پرکاریش شوق‌انگیز و امیدبخش. با آدمهای قصه‌اش زندگی کرده و در به‌قلم کشیدن آنچه می‌خواهد بگوید تسلط دارد. پرسناژها و سوزهای متفاوت و پدید آمدنی‌اش فضایی تازه در داستان کوتاه امروز ما ایجاد کرده است.

زنهای داستانهای عبدالمهی همیشه در هاله‌ای از رؤیا و از دور می‌آیند و دلها را می‌لرزانند و می‌روند و با رفتنشان دیگر هیچ چیز مثل گذشته نیست. عبدالمهی و صفدری تاکنون موفق شده‌اند چند داستان کوتاه ناب و برجسته در ادبیات فارسی بیافرینند.

## بمباران - منوچهر کریمزاده

چه دور و چه نزدیک، تهران در روزهای آتش و باروت. هراسی که در هوا موج می‌زد و با تمام قدرت خود را به ساحل دلها می‌کوبید. چقدر دور به نظر می‌رسد چون هیچکس از آن سخن نمی‌گوید و چه نزدیک است که هر اشاره کوچک، خاطره ترس و وحشت و مرگ را زنده می‌کند. کریمزاده در ثبت لحظه‌ها دقیق و موفق است. بمباران راحت و ساده به نظر می‌آید و مثل زندگی تلخ و همچون حقیقت گزنده است. مروری بر آنچه که بر ما رفت و ما به عمد یادش نمی‌آریم.

## پرواز - رضا نواب‌پور

نواب‌پور با نثر یک دستش پرنده را دنبال می‌کند. پرنده که پرواز را از خاطر برده و هیچ بهیاد ندارد که آخرین بار چه زمانی و در کجا و با که سبک، بال گشوده و به پرواز درآمده است.

در بخش دوم کتاب، نه داستان کوتاه خارجی به‌اعتبار این مجموعه افزوده است. و همین است که خواندن این کتاب را برای همگان دلپذیرتر کرده است. اما کاش تصور مقایسه این داستانها با داستانهای کوتاه نویسندگان ایرانی به‌ذهن خواننده خطور نکند و هریک را به مقتضای حد و حدود و فضای آفرینشی خویش مطالعه کند. داستانهای خارجی این مجموعه به‌استثنای شاید یکی دو داستان، همه از نمونه‌های برجسته داستان کوتاه‌اند و از تنوع زیادی هم برخوردارند، از داستانهای رئالیستی و سنتی گرفته تا داستانهای کوتاه کاملاً مدرن. نویسندگان این داستانها هم همه در سطح جهانی سرشناس‌اند و به‌ویژه در نوشتن داستانهای کوتاه از شهرت زیادی برخوردارند:

هاینریش بل در ایران به‌اندازه کافی شناخته شده است و داستان "ترازو" هم از داستانهای درجه یک اوست که از مایه‌های اجتماعی زیادی برخوردار است. داستان "رادیو هیولا" از جان چپور داستان دلنشینی است که با چیره‌دستی حقایق نهفته در زیر ظاهر پر زرق و برق زندگی امروزی جوامع صنعتی را نشان می‌دهد. جان چپور از نویسندگان طراز اول امریکاست و در ایران چنانکه باید شناخته شده نیست. از روی یکی از داستانهای کوتاه او به‌نام "شناگر" (که توسط خود صفدر تقی‌زاده به‌فارسی ترجمه و قبلاً در نشریات ادبی چاپ شده است) فیلم سینمایی معروفی با شرکت برت لانکستر ساخت‌اند. داستان کوتاه "اسپینوزای کوی بازار" از ایزاک بشویس سینگر از نمونه‌های برجسته داستان کوتاه امروزی است. این راست است که مترجم با انتخاب و البته ترجمه فصیح از یک داستان بمواقع تعهدی را گردن گرفته است که کمتر از بار گران یک نویسنده نیست. ما داستان کوتاه را از غربی‌ها به‌وام گرفته‌ایم و اگر امروز بخواهیم به‌اعتبار چند داستان و دو سه نام، خود را هم‌تراز آنها ببنداریم بی‌شک جا و مکان خود را مدیون چند مترجمی هستیم که نمونه‌های خوب و ارزنده‌ای از داستان کوتاه را به‌زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. از میان این مترجمان که تعدادشان چندان زیاد هم نیست ابوالحسن

نجفی، احمد میرعلایی و صفدر تقی‌زاده در ترجمه داستان‌های کوتاه نویسندگان امروزی دنیا سهم بسزایی ایفا کرده‌اند.

داستان کوتاه "نامه‌ای به یک بانوی جوان در پاریس" از خولیو کورتازار به ترجمه سیمین دخت سید فتاح ضمن آنکه به‌شیوه کاملاً نو و امروزی نوشته شده، چنان دلپذیر است که با یک قطعه شعر پهلوی می‌زند. داستان "آهنگ روزاری" از ویلیام فاکنر به ترجمه سیمین دخت چهره‌گشا با همه کوتاهی و شکل طرح‌وارش، نمایانگر استادی و چیره‌دستی فاکنر در نوشتن داستان کوتاه است. داستان "لوکاس، خادم نرم‌خوی" از زیگفرید لنتس، نویسنده گرانقدر و معاصر آلمانی به ترجمه محمود حسینی‌زاد هم نرم و انسانی و دلچسب است و داستان "سیازمستان" از آلبرتو مورایا به ترجمه مهدی سبحانی سبک و سیاق مشخص این نویسنده معاصر ایتالیایی را نشان می‌دهد و داستان "او برمی‌گردد" اثر بوریس ریابنین نویسنده معاصر روسی به ترجمه ناهید باقرزاده نمایانگر روال داستان‌نویسی امروز ادبیات روسی است.

کتاب "داستان‌های کوتاه ایران و جهان" بر روی هم فرصت مغتنمی است تا نمونه‌های درخشانی از داستان کوتاه ایران و جهان را دریابیم و در یابیم.

مقدمه کتاب جامع و آموزنده است و نشان می‌دهد که تدوین‌کنندگان کتاب با آخرین تحولات داستان کوتاه در دنیا آشنایی دارند. مقدمه حاوی نکته‌های نغز و تازهای است و به‌سبک و سیاق داستان کوتاه یعنی فشرده و موجز، جامع‌ترین تعریف را از داستان کوتاه به‌دست می‌دهد، مثلاً: منظور از داستان "کوتاه" کوتاهی آن در همه ابعاد نیست.

کوتاه بودن، کم‌مایه بودن و مختصر بودن معنی نمی‌دهد. داستان کوتاه، معنای بلند و متعالی زندگی را به‌خواننده القا می‌کند. داستان کوتاه نوشته‌های آزمایشی و آسان و کوچک - و آنطور که عده‌ای می‌پندارند - شاخه‌ای فرعی از زبان نیست. داستان کوتاه، امروزه دیگر در صحنه ادبیات شکل و اعتبار مستقلی یافته است و همانقدر با رمان تفاوت دارد که شعر یا نمایشنامه. در واقع داستان کوتاه، با شعر مشترکات و خویشاوندی بیشتری دارد تا با رمان و از آنجا که ادبیات فارسی از پشتوانه شعری غنی و گسترده‌ای برخوردار است، چه بسا که گرایش نویسندگان ما، به‌عقاب "داستان کوتاه" از همین موضوع مایه گرفته باشد.

